

پرداخت تا سرانجام مأموریتی در شهر خرطوم، پایتخت سودان به وی محول شد و تا پایان عمر در آنجا ماند. در انشای کار به یاری مظهر پاشا حاکم عثمانی خرطوم، چندی به ستیز با انقلابیون گسله پرداخت. ابراهیم مرزوق هرگز از سرودن شعر دست نکشید، اما انبوهی از این اشعار یا در مناسبت‌های خاص سروده شده و یا تخمیس و تشطیر قصاید بزرگ عرب است. به این جهت، عمده مضامین او منحصر به مدح و رثا و تهنیت و تسلی و اخوانیات و مفاهیم حکمت آمیز است. اشعار او که برانگنده بود، توسط محمد بک سعید بن جعفر پاشا جمع‌آوری شد و تحت عنوان *الدُرُّ البَهِيُّ المنسوقُ بدیوانِ ابراهیم بک مرزوق*، انتشار یافت (قاهره، ۱۲۸۷ ق/ ۱۸۷۰ م). گویا تعدادی از این اشعار از آن دیگران است که محمدبک به اشتباه در دیوان او آورده است (زرکلی، ۶۹/۱). به کتاب دیگری به نام *رحلة السلامة و رحلة الکرامة* از آثار او اشاره کرده‌اند که در نثری مسجع، رویدادهایی را که در سودان شاهد بوده، شرح داده است (مصر، ۱۲۶۸ ق/ ۱۸۵۲ م).

مأخذ: داغر، یوسف اسعد، *مصادر الدراسة الادبية*، بیروت، ۱۳۹۲ ق، ۱۱۸۶/۳؛ زرکلی، خیرالدین، *الاعلام*، بیروت، ۱۹۸۴ م؛ سرکیس، جایی، ۲۰۰۸؛ شیخو، الأب لویس، *الآداب العربية فی القرن التاسع عشر*، بیروت، ۱۳۴۳ ق؛ کحاله، عمر رضا، *معجم المؤلفین*، آذرنش آذرنش بیروت، ۱۳۱۱.

اِبْرَاهِیم مَرْوُزِی، یا مروروزی (قفطی، ۲۸۴)، ابویحیی، پزشک، حکیم، منطقی، هندسه‌دان و از انتقال‌دهندگان علوم یونانی به عالم اسلامی (ابن ابی أصبَیعة، ۲۲۶/۲ - ۲۲۷ - ۲۲۵/۳). از تاریخ ولادت و مرگ او آگاهی دقیقی در دست نیست، اما چون معاصر و استاد ابوبشر متی بن یونس (د ۳۲۹ ق/ ۹۴۱ م) شارح معروف آثار منطقی ارسطو بود، می‌توان احتمال داد که در نیمه دوم سده ۳ ق/ ۹ م می‌زیسته است. اهمیت عمده ابراهیم مروزی نقشی است که به عنوان میانجی در نقل علوم یونانی از انطاکیه به بغداد ایفا کرده است (نک: هـ، ابراهیم قویری). به گزارش ابن ابی اصبَیعه وی از یک استاد اهل مرو تعلیم گرفت و مدتی به امور دینی پرداخت و سپس به بغداد رفت و در آنجا به طبابت و تعلیم منطقی روی آورد و در فن طبابت مشهور گردید (۲۲۶/۲، ۲۲۵/۳). ابومحمد کرنب و ابوبشر متی بن یونس نزد وی آموزش یافتند (مسعودی، ۱۰۵؛ قفطی، ۲۸۴). به گفته ابن ندیم ابراهیم مروزی اصلاً سریانی بود و کلیه آثارش را در منطق و جز آن به زبان سریانی نوشت. از این آثار جز گفتاری درباره آنالوطیقای دوم چیزی ذکر نشده است (صص ۳۰۹، ۳۲۲).

مأخذ: ابن ابی اصبَیعة، احمد بن قاسم، *عیون الانباء*، بیروت، ۱۳۷۷ ق؛ ابن ندیم، *الفهرست*؛ قفطی، علی بن یوسف، *اخبار العلماء*، قاهره، ۱۳۲۶ ق؛ مسعودی، علی بن حسین، *التبیه و الاشراف*، بیروت، دار صعب.

منوچهر پزشک

اِبْرَاهِیم مَوْسَوِی قَزْوِیْنِی، ابن محمد باقر موسوی (۱۲۱۴ - ۱۲۶۴ ق/ ۱۷۹۹ - ۱۸۴۸ م)، فقیه و اصولی شیعه، صاحب ضوابط الاصول.

کرانه دریای مرمره بنیاد گذارد (YTA). در ۱۱۴۵ ق که سعید افندی دوست و شریک ابراهیم، از کارکناره گرفت، اداره چاپخانه به موجب فرمانی تماماً به وی محول گردید. ابراهیم علاوه بر نقشه‌هایی که ضمیمه انتشاراتش به چاپ رسانید، نقشه‌های دیگری هم مانند نقشه دریای مرمره، بحریه دریای سیاه، ممالک ایران، و نقشه مصر مستقلاً تهیه و طبع کرد (TA). چنانکه اشارت رفت، ابراهیم تنها یک چاپخانه‌دار نبود، او مردی دانشمند، صاحب فن، آگاه به علوم ریاضی، هیأت و جغرافیا، زبان‌دان و مترجمی توانا بود. مقدمه‌ها و حواشی او بر پاره‌ای از انتشارات مطبعه‌اش و نیز نقشه‌های جغرافیایی که طرح و تهیه کرده و ترجمه کتاب‌هایی علمی مانند مجموعه هیأت قدیمه و جدیده اثر ستاره‌شناس مشهور هلندی آندرس کلر (اوزون چارشیلی، IV/536) بیانگر آن است که او حقیقتاً به چندین هنر آراسته بوده است.

مأخذ: پستانلی، جودت، احمد، تاریخ، استانبول، ۱۳۰۹ ق؛ قاموس الاعلام؛ لاکهارت، لازس، *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران، ۱۳۶۴ ش؛ نیز: EI^۱؛ EI^۲؛ IA؛ Lewis, Bernard, *The Emergence of Modern Turkey*, London, 1961; *Osmanli Padesahlari Ansiklopedisi*, Istanbul, 1983; Rieu Charles, *Catalogue of the Turkish Manuscripts in British Museum*, London, 1888; TA; Uzuncarsili, İsmail Hakki, *Osmanli Tarihi*, Ankara, 1983, IV/2, 33; YTA; Yurdaydin, H., *Islam Tarihi dersleri*, Ankara, 1982.

مجدالدین کیوانی

اِبْرَاهِیم مَجْدُوب، از صوفیان قرن ۷ ق/ ۱۳ م و معاصر شیخ شهاب‌الدین سهروردی و نجیب‌الدین علی بن بزغش شیرازی. وی در میان صوفیه شهرت داشته است و جنید شیرازی در *شذالازار* در شرح احوال نجیب‌الدین علی بن بزغش از او یاد کرده و او را از «مجانین العقلاء» به شمار آورده است. ابراهیم مردی مجذوب و شوریده حال بوده و جنید شیرازی (صص ۳۳۵ - ۳۳۶) و شعرانی (۱۴۲/۲) و جامی (صص ۴۷۳، ۴۷۷ - ۴۷۹) از او حکایات غریب نقل کرده‌اند. قول جنید شیرازی در *نفحات الانس* جامی (ص ۴۷۳) و برخی تذکره‌های دیگر نقل شده است. معصوم علیشاه نام او را «عزالدین ابراهیم مجذوب» گفته است (۴۴۰/۲).

مأخذ: جامی، عبدالرحمن، *نفحات الانس*، به کوشش مهدی توحیدی بزر، تهران، ۱۳۳۷ ق؛ جنید شیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم، *شذالازار*، به کوشش محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۸ ش؛ شعرانی، احمد بن علی، *طبقات الکبری*، بیروت، ۱۳۷۲ ق/ ۱۹۵۴ م؛ معصوم علیشاه، محمد، *طرائق الحقائق*، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران، ۱۳۳۹ - ۱۳۴۵ ش.

اِبْرَاهِیم مَدَایِخِ نِگار، نک: مدایخ نگار، ابراهیم.

اِبْرَاهِیم مَرْوُزِی (۱۲۳۳ - ۱۲۸۳ ق/ ۱۸۱۸ - ۱۸۶۶ م)، ادیب و شاعر مصری. وی در قاهره زاده شد و در خرطوم درگذشت. در جوانی به مدرسه زبانهای بیگانه در قاهره وارد شد و زبان فرانسه را نیک آموخت، اما علاقه او به ادبیات عربی، موجب شد که انبوهی قطعه منشور و منظوم (شیخو، ۸۷: ۲۰۰۰ بیت) حفظ کند، پس از فراغت از تحصیل، به خدمت دولت درآمد و به کارهای کوچک و کم اهمیت

الاستدلالی (همو، ۲۸۱/۱۷)، رساله عملیه (همو، ۲۱۲/۱۱)، حجیت ظنّ و رساله‌هایی به فارسی و عربی در نماز، حج، حرمت غیبت، طهارت و روزه (تنکابنی، ۵، ۶).

مأخذ: آقا بزرگ، الذریعة: اعتماد السلطنة، محمد حسن خان، المآثر والآثار، تهران، ۱۳۰۷ ق؛ امین، محسن، اعیان الشیعة، بیروت، ۱۴۰۳ ق؛ تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، تهران، صص ۳-۱۹؛ خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، تهران، ۱۳۹۰ ق؛ شورا، خطی؛ مدرّس، محمد علی، ریحانة الادب، تبریز، ۱۳۴۶ ش؛ مشار، جایی عربی؛ مشکوة، خطی؛ ملک، خطی؛ وزیر، خطی؛ نیز:

Ivanow, Wladimir, Catalogue of the Arabic Manuscripts in the Collection of the Royal Asiatic of Bengal, Calcutta, 1939.
حسن یوسفی اشکوری

ابراهیم موصلی، ابواسحاق، ابراهیم بن ماهان بن بهمن بن نُسک، ملقب به ندیم، موسیقی‌دان، آهنگساز و شاعر بزرگ اوایل عصر عباسی. درباره زندگی و فعالیت هنری این شخصیت پرآوازه اطلاعات تاریخی و روایات افسانه‌ای فراوانی در دست است که در منابع گوناگون پراکنده است. با اینهمه، منبع اصلی تحقیق در احوال و آثار وی همانا کتاب *آغانی ابوالفرج اصفهانی* است. حدود ۳۵ منبعی که در اینجا بررسی شده‌اند و نخستین آنها دیوان ابوالعناهیة (د ۲۱۰ ق/۸۲۵ م) و آخرینشان *شذرات الذهب* ابن عماد (د ۱۰۸۹ ق/۱۶۷۸ م) است - جز آنها که مقدم بر ابوالفرج بوده‌اند، غالباً روایات ابوالفرج را عیناً یا با مختصر تغییری نقل کرده‌اند. مقاله حاضر نیز به ناچار متکی بر داده‌های این کتاب است.

زندگی: ابراهیم در ۱۲۵ ق/۷۴۳ م در کوفه به دنیا آمد. این تاریخ مورد تأیید همه منابعی است که به سال تولد وی اشاره کرده‌اند (ابوالفرج، ۱۵۵/۵؛ ابن ندیم، ۱۵۷؛ خطیب، ۱۷۵/۶؛ سماعی، ۴۸۲/۱۲ و دیگران)، مگر ابن کثیر (۲۰۱/۹) که ولادت او را در ۱۱۵ ق/۷۳۳ م دانسته است. پدر وی ماهان که از نجیب زادگان ایرانی (ابوالفرج، ۱۵۴/۵؛ ابن خلکان، ۴۲/۱؛ یافعی، ۴۲۰/۱؛ ربیعا، ۴۸) و ساکن آرجان فارس بود، برای گریز از ستم کارگزاران اموی که خراجی سنگین از او مطالبه می‌کردند، به کوفه مهاجرت کرد (ابن ندیم، همانجا) و در آن شهر دختری یکی از دهگانان ایرانی را که همچون خود وی از ستم امویان به کوفه گریخته بود، به زنی گرفت (ابوالفرج، همانجا)، گرچه از پاره‌ای روایات چنین برمی‌آید که این وصلت پیش از مهاجرت به کوفه و احتمالاً در آرجان صورت گرفته بوده، چه روایت شده که مادر ابراهیم هنگام خروج از آرجان و ورود به کوفه باردار بوده است (خطیب، سماعی، همانجاها). ابراهیم زاده این پیوند بود. زندگی وی را به طور کلی به دو دوره می‌توان تقسیم کرد: دوره نخست که در سفرهای دور و دراز و فراگیری موسیقی نزد استادان مختلف در شهرهای گوناگون و با بی‌پزیرایی گذشت، تا اواسط عمر وی ادامه داشت، اما دوره دوم یکسره در بغداد و در بارگاه پرشکوه خلفای عباسی سپری شد. غالب روایات مندرج در آغانی و سایر منابع نیز به ویژه به همین دوره از زندگی وی مربوط می‌شود. دو یا سه ساله

پدر او از سادات موسوی «خوین»، یکی از آبادیهای پیرامون قزوین بود. ابراهیم در قزوین زاده شد و در کودکی همراه پدر به کرمانشاه کوچ کرد. مقدمات علوم متداول را نزد مدرّسان آنجا آموخت. پس از آن عازم عراق شد و در کربلا مسکن گزید. در آغاز نزد سید علی طباطبایی (صاحب ریاض) درس خواند و آنگاه علم اصول را از شریف الدین محمد آملی مازندرانی معروف به شریف العلماء (د ۱۲۴۶ ق/۱۸۳۰ م) فرا گرفت. پس از آن به قصد فراگیری علم فقه به نجف سفر کرد. در آنجا مدتی نزد فقیهان بنامی چون شیخ علی آل کاشف الغطاء (د ۱۲۵۳ ق/۱۸۳۷ م) و شیخ موسی آل کاشف الغطاء (در ۱۲۴۳ ق/۱۸۲۷ م)، سطوح عالی فقه را آموخت (خوانساری، ۳۸/۱-۳۹؛ تنکابنی، ۴-۵)، نیز نزد سید محمد صاحب مناهل درس خواند (امین، ۲۰۴/۲).

قزوینی پس از چندی به کربلا بازگشت. در این هنگام مجتهد و عالمی بنام بود و حوزه درسی در مدرسه سردار تشکیل داد که شاگردان بسیاری در درس او گرد آمدند. پس از چندی استادش شریف العلماء درگذشت و قزوینی عملاً جانشین او شد و به زودی شهرت و مرجعیت تام یافت، تا آنجا که غالب شیعیان عراق و ایران و هند از او تقلید می‌کردند. در حدود ۱۲۶۰ ق/۱۸۴۴ م آشوب شیخیه - پیروان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی - در کربلا بالا گرفت. قزوینی که از مخالفان آن گروه بود، مورد تعرض و آزار قرار گرفت و چون در کربلا عرصه بر او تنگ شد، ناگزیر آهنگ کاظمین کرد، اما پس از چندی به کربلا بازگشت (تنکابنی، ۱۳)، حوزه درسی قزوینی بسیار وسیع و مورد توجه بود، چنانکه غالب عالمان و مجتهدان بنام ایران و عراق سده ۱۳ ق/۱۹ م از آن بهره گرفته‌اند که نامدارترینشان عبارتند از سید حسین ترک کوه کمری، زین العابدین طبرسی بارفروشی، ملاعلی کنی، سید اسدالله شفتی اصفهانی، عبدالحسین رازی، مهدی کجوری، محسن اردبیلی، محمد باقر خوانساری، ابوالحسن تنکابنی، میرزا محمد تنکابنی، محمد کریم مجتهد لاهیجی، علی محمد تُرک، میرزا محمد حسن ساروی، میرزا رضا دامغانی، محمد طاهر گیلانی، محمد صادق ترک، میرزا صالح عرب (تنکابنی، ۴).

برخی از آثار قزوینی عبارتند از *ضوابط الاصول* که تقریرات درس اصول شریف العلماء است و در تهران در ۱۲۷۱ ق چاپ شده است (مشار، ۵۹۹)؛ *دلائل الاحکام فی شرح الشرائع الاسلام*، خطی، که در کتابخانه‌های مجلس (شورا، ۱۱۸/۱۲)، ملک تهران (ملک، ۳۱۱-۳۱۲)، وزیر یزد (وزیری، ۴۸۶/۲) و رویال آسیاتیک بنگال (ایوانف، I/306) موجود است؛ *نتایج الافکار در علم اصول* که چند بار به چاپ رسیده است (مشار، ۹۴۴)؛ *رساله فقهی*، خطی و موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (مشکوة، ۱۷۴۰/۳ - ۱۷۴۲) و سپهسالار تهران (سپهسالار، ۳۷۸/۵).

این آثار نیز به وی منسوب است: *صلاة الجمعة، القواعد الفقهية، مدرّس، ۳۷۷/۳، الرسالة الرضاعية* (آقابزرگ، ۱۸۸/۱۱)، *الفقه*